

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

"من باور دارم" - تفسیرهای تورات از ربای لرد جاناتان ساکس در سال ۵۷۸۰

پاراشای هفته: اکو ۵۷۸۰

عهد و مهرورزی

Rabbi Lord Jonathan Sacks

Eikev 5780

The Covenant and the Love

یک عبارت جالب در انتهای پاراشای هفته پیش و آغاز پاراشای این هفته می آید و اینها تنها جاهایی هستند که این عبارت در تورا به کار می رود. عبارت چنین است: ha-brit ve-ha-chessed (تثنیه ۷:۹) یا در این هفته et ha-brit ve-et ha-chessed (تثنیه ۷:۱۲).

پس بدان که خداوند خدای تو، خدایی وفادار است و عهد و احسان خود را برای آنانی که او را دوست دارند و دستورهایش را بجا می آورند، تا هزار نسل حفظ می کند. (تثنیه ۷:۹).

اگر این قوانین را به جا بیاوری و به دقت آنها را دنبال نمایی، آنگاه خداوند، خدای تو عهد و احسان خود با تو را حفظ خواهد کرد، چنان که با اجدادت عهد بست. (تثنیه ۷:۱۲)

این عبارت عجیب است. رابطه میان خدا و قوم اسرائیل با بریت یا عهد تعریف می شود. این اساس متن توراهاست. پس چرا مفهوم دیگری باید با واژه *chessed* یا احسان افزوده شود؟

مترجمان با این واژه مشکل دارند. ترجمه *Jewish Publication Society* از آیه آغازین این پاراشا چنین است: "اگر این قوانین را به جا بیاوری و به دقت آنها را دنبال نمایی، آنگاه خدواند خدای تو به عهد خود با تو که با اجدادت بست وفادار خواهد ماند." این ترجمه *chessed* را به "وفادار" برگردان می کند و آنرا در توصیف فعل "حفظ کردن" یا "نگه داشتن" به کار می برد. این ترجمه بیش از اندازه باز است.

ترجمه غیریهودی توسط *New International Version* برگردانی که از *ha-brit* *veha-chessed* می دهد، چنین است: "عهد مهرورزی (عشق)". این یک ترجمه بسیار مسیحی است. عهدی که میان بنی اسرائیل و خدا بسته شد، عهد قانون بود و نه فقط مهرورزی و عشق.

اریه کاپلان در کتاب "تورات زنده" معنای این واژه را درست متوجه شده بود که چنین ترجمه کرد: "خداوند، خدای تو عهد و مهري را که در آن به اجدادت قول داد، نگاه خواهد داشت. نه "عهد مهرورزی"، بلکه "عهد و مهر." اما همچنان این پرسش باقی است که عهد چیست و مهري که متمایز است از عهد چیست؟

شاید کم اهمیت می بود اگر این عبارت کمیاب در مجموعه تورات، کتب انبیاء و کاتبان کمیاب، درست در لحظه های کلیدی تاریخ یهود بیان نمی شد. برای نمونه، در مناجات مهم سلیمان پادشاه در مراسم گشایش معبد در اورشلیم این اهمیت دیده می شود:

"ای خداوند، خدای اسرائیل، هیچ خدایی مانند تو در آسمان های فرادست و در زمین فرودست نیست - تویی که به جا می آوری عهد و مهرت را با خدمتگزارانت که با تمام قلب راه تو را پی می گیرند." (کتاب اول پادشاهان ۸:۲۳)

پس از تبعید به بابل، وقتی که ملت در اورشلیم دور عزرا و نحمیا گردآمدند و عهد خود را تجدید کردند، چنین گفتند:

"پس اینک خدای ما، خدای باشکوه، قدرتمند و عظیم که عهد و مهر خود را نگه می دارد، نخواهد گذاشت که همه این سختی ها در چشمان شما بیهوده باشد؛ این سختی هایی که به ما، شاهان و رهبران و کاهنان و انبیاء ما، بر اجداد ما و تمامی قوم تو از زمان شاه آشور تا امروز وارد شده اند. (نحمیا ۹:۳۲)

در این لحظات خطیر، یعنی وقتی موسی در کرانه های رود اردن عهد را تجدید کرد، هنگامی که سلیمان، افتتاحیهٔ معبد را خواند و وقتی مردم در زمان عزرا و نحمیا سرسپردگی مجدد خود را بیان نمودند، در واقع کاری که کردند تعریف مناسبات خدا با مردم همچون *brit* و *chessed* یعنی عهد و مهر بود. به نظر می رسد هر دو ضروری هستند و گرنه آنها آنرا در این سه موقعیت مهم به فاصلهٔ چند قرن از یکدیگر بیان نمی کردند.

پس معنای *chessed* چیست؟ ربی مشه بن مایمون به طرز برجسته ای فصل یکی مانده به آخر کتاب راهنمای سرگشتگان [موره هنووخیم - دلالت الحائرین] را به تجزیه و تحلیل این سه کلمه اختصاص می دهد. در مورد *chessed* می گوید:

در تفسیر خود از پیرکه آووت ۵:۷ [اندرزهای پدران] توضیح دادیم که واژهٔ *chessed* بیانگر فراوانی و لبریزی است. به ویژه برای بیان مهربانی مفرط به کار می رود. احسان و مهرورزی به دو شکل اجرا می شود: نخست، به کسانی که هیچ طلبی

از ما ندارند، احسان کنیم؛ دوم، با کسانی که باید مهربان باشیم بیش از حدی که برای آنها توصیه شده، احسان کنیم... خود عمل آفرینش یک حرکت مهر و احسان از سوی خداوند است: "گفته ام که جهان با مهر و احسان خلق شده است" (مزامیر ۸۹:۳) ...¹

تفاوت میان سه واژه در این است که من قانونا سزاوار *mishpat* [عدالت] هستم. اخلاقاً سزاوار *tzedakah* [نیکوکاری] هستم. اما *chessed* [احسان] یک عمل برخاسته از مهر ناب است. من کاری نکرده ام که سزاوار آن باشم. [توضیح مترجم فارسی: هارامبام در این فصل از راهنمای سرگشتگان که فصل یکی مانده به آخر در جلد سوم مجموعه ترجمه فارسی آن است، سه ویژگی اساسی کارهای خدا را که انسان باید از آنها تقلید کند، برمی شمرد: میثبات، صداقا و خسد].

مشه بن مایمون با اشاره به جمله مزامیر: "جهان بر پایه مهر و احسان بنا شده است" می افزاید که آفرینش یک عمل استوار بر *chessed* یا مهر و احسان ناب بود. هیچ کس چیزی نمی آفریند چون آن چیز شایسته آفریده شدن است. مخلوقات، پیش از خلق شدن وجود ندارند.

می توانیم این نکته را دقیقتر در پیش زمینه انسانی تعریف کنیم. کتاب روت کتابی است به راستی در مورد *chessed*: "ربی زیرا گفت: این کتاب هیچ چیز در مورد امور پاک و ناپاک و ممنوع و مجاز ندارد. پس برای چه نوشته شد؟ پاسخ چنین است: برای آموختن عظمت پاداش کارهایی که از سر *chessed* یا احسان مهرآمیز انجام می شوند."²

در این کتاب دو صحنه کلیدی وجود دارند. نخستین آنها وقتی است که نایومی که از وجود همسر و دو پسرش محروم شده، تصمیم به بازگشت به اسرائیل می گیرد. او به دو عروس خود

¹ The Guide for the Perplexed, III:53.

² Ruth Rabbah 2:14.

می گوید: "شما هر يك به خانه مادری خود بازگردید. باشد که خدا همان گونه که شما به شوهران مرحومتان و من مهر ورزیدید، مهر خود را شامل حال شما سازد..." او به عروس هایش می گفت که دیگر هیچ تعهدی در قبال او ندارند. آنها همسر پسران او شده بودند، ولی اینک بیوه بودند. نایومی هیچ پسر دیگری نداشت. عروسان او که زنانی از موآب بودند، در سرزمین ایسرائل غریب می شدند و دلیلی برای رفتن به آنجا نداشتند. نایومی می خواست بگوید که شما هیچ دینی نسبت به من ندارید. شما عروسان مهربان و خوبی بوده اید، اما اینک راه ما از هم جدا می شود.

گفتار دوم زمانی است که روت رفته تا در کشتزار بوآز که با او به احترام و حمایت فراوان برخورد می کند، گندم بچیند. از او می پرسد: "چرا چنین ارجی در نظر شما یافته ام که من بیگانه را مورد عنایت قرار می دهید؟" در اینجا دو کلیدواژه می یابیم: "ارج" و "بیگانه". "ارج" یعنی تو با من چنان رفتار می کنی که گویی تعهدی نسبت به من داشته ای. اما "من" یک بیگانه ام". واژه به کار رفته در اینجا "غریب" نیست که از سرزمینی دیگر است و برخی تعهدها نسبت به او وجود دارد. بیگانه یعنی خارجی کامل. روت به بوآز می خواهد بگوید که تو به من هیچ تعهدی نداری.

از این رو است که کتاب روت، متن برتر پیرامون *chessed* است، یعنی خوبی کردن به کسی که هیچ طلبی از شما ندارد. کاری که روت برای نایومی و بوآز برای روت انجام داد در رده *mishpat* و *tzedakah* نبود، بلکه کارهایی از سر *chessed* ناب بودند.

اینک بازگردیم به پرسشی که با آن آغاز کردیم. چرا موسی، سلیمان و نحمیا رابطه میان یهودیان با خدا را نه در قالب یک مفهوم عهد، بلکه با افزودن مفهوم دوم یعنی احسان و عمل مهرورزانه تعریف می کنند؟

عهد، ذاتا متقابل است. دو فرد یا نهاد، انجام مسئولیتی نسبت به یکدیگر را متعهد می شوند. خدا در کوه سینا چنین تعریفی از عهد داد: "اینک اگر مرا به تمامی پیروی کنید و عهد مرا به جا بیاورید، آنگاه از میان همه ملت ها گنجینه من خواهید بود، زیرا سراسر زمین از آن من است." (خروج ۱۹:۵). اگر شما ملت من باشید، من هم خدای شما خواهم بود. اگر خدمتگزار من باشید، آنگاه من شما را برکت می کنم. هر عهدی یک دوگانه "اگر- آنگاه" دارد. از این رو هر عهدی ذاتا آسیب پذیر است. این نکته ای است که موسی در سفر دوا ریم (تثیه) تاکید کرد. سرزمین یا برکت هایش را باد آورده ندان. اگر درست رفتار کنی کارها خوب پیش خواهند رفت، اما اگر بد رفتار کنی، خطرهای بزرگی بر سر راهت خواهد بود.

این مفهوم عهد است. *chessed* برعکس، هیچ گونه "اگر- آنگاه" ندارد. بلکه از سر نیکخواهی فرد دهشگر و صرفنظر از ارزش فرد حمایت گیرنده شده است. وقتی موسی، سلیمان و نحیا افزون بر مفهوم عهد، مفهوم *chessed* را هم به میان آوردند، تقاضایی ضمنی از خدا داشتند که بسیار مهم است: خدایا لطف کن و حتی اگر ما در رعایت عهد کوتاهی کردیم، بر ما مرحمت داشته باش، زیرا وقتی ما خوب نیستیم، تو همچنان خوبی. حتی وقتی که ما شایسته آن نیستیم و هیچ دینی به گردن تو نداریم، *ki le-olam chasdo* خسد او [احسان مهرورزانه] ابدی است.

آیه مورد نظر در پاراشای ما به نظر مشروط می رسد: "اگر این قوانین را به جا بیاوری... آنگاه خداوند، خدای تو عهد و احسان خود را ننگه خواهد داشت..." این نشان می دهد که اگر شایسته باشیم از احسان برخوردار می شویم، و اگر شایسته نباشیم، برخوردار نمی شویم. اما چنین نیست. خداوند در پایان لعنت های پاراشای بخو کوتای می گوید: "با وجود این، وقتی آنها در سرزمین دشمنان خود هستند، من آنها را پس نخواهم زد و از آنها متنفر نخواهم بود که یکسره نابودشان کنم و عهد خود با آنها را بشکنم: من هستم خداوند، خدای آنان."

خدا به خاطر احسانش هیچ گاه عهدش را نمی شکند، حتی اگر ما چنین کنیم. تنخ رابطه میان خدا و ایسرائل را از دو راه توصیف می کند: میان شوهر و زن می تواند طلاق اتفاق بیفتد. میان والدین و فرزند چنین نمی شود. زن و شوهر ممکن است با هم غریبه بشوند، اما والدین همچنان والدین آنها باقی می ماندند و فرزند، فرزند آنها. ازدواج یک عهد است؛ پدر و مادری چنین نیست. ما به خدا می گوئیم: ما را فراموش نکن، زیرا هر چه کرده باشیم، تو پدر ما هستی و ما فرزندان تو. *Chessed* نوعی از عشق و مهر است که والدین به فرزند خود دارند، خواه آنها شایسته اش باشند، خواه نباشند. *chessed* ملاطفت بی قید و شرط است.

من باور دارم که *chessed* بالاترین دستاورد زندگی اخلاقی است. همان کاری است که روت برای نایومی انجام داد و از آن احسان، داوود، بزرگترین پادشاه یهود، پدید آمد. نوعی از انساندوستی که توقع متقابل دارد و می گوید من این کار را برای تو می کنم و تو این کار را برای من، در میان حیوانات اجتماعی رواج دارد. *chessed* این چنین نیست. خداوند جهان را با *chessed* آفرید. با *chessed* ما لحظه هایی از زیبایی اخلاقی را می آفرینیم که شادمانی و امید را به جای تاریکی و نومیدی می نشانند.

شبات شالوم

Jonathan Sacks

The Office of Rabbi Sacks

برای دیگر آثار ربای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر ربای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط

شیریندخت دقیقیان Persian Translation by Shirin D. Daghighian